A Strategic Framework of Local Content Mission for Reforming the Production Structure in the Oil Industry: A Meta-synthesis Study

Zohreh Karim Mian[1] - SeyedehSedigheh Jalalpour[2]*
Roksane Charkhchi[3]

Abstract

The purpose of this study is to explain the role of the local content mission in reforming the production structure of oil-related goods in the Islamic Republic of Iran. The research is qualitative, applied, and exploratory–analytical in nature, employing a meta-synthesis approach to conceptually analyze scholarly resources in the fields of industrial policy and production localization. The study population consisted of publications from 2013 to 2024, of which 25 sources meeting validity and conceptual relevance criteria were selected for final analysis. Data were collected using a standardized extraction form and analyzed through thematic analysis, including open, axial, and selective coding. The findings reveal that the effective role of the local content mission in production structure reform can be categorized into three main dimensions: policy-making and institutionalization, technological and knowledge empowerment, and economic support and operational effectiveness. Accordingly, a three-layer conceptual model was developed, which can serve as a strategic framework for technological policy-making and industrial governance in the oil industry.

Keywords
Local content mission, Production structure reform, Oil industry, Technological empowerment, Economic support, Meta-synthesis.

1. Assistant Professor, Department of Technology Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Technology Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Sjalalpour@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Technology Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

مقاله علمی ـ پژوهشی

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

چارچوب راهبردی رسالت ساخت داخل برای اصلاح ساختار تولید در صنعت نفت: یک مطالعه فراترکیب

زهره کریم میان[۱] ـ سیده‌صدیقه جلال‌پور[۲] ـ رکسانه چرخچی[۳]

چکیده

هدف این پژوهش تبیین نقش رسالت ساخت داخل در اصلاح ساختار تولید کالای نفتی در جمهوری اسلامی ایران است. مطالعه حاضر کیفی، کاربردی و اکتشافی‌ـتحلیلی بوده و با روش فراترکیب به تحلیل مفهومی منابع علمی حوزه سیاست‌گذاری صنعتی و بومی‌سازی پرداخته است. جامعه پژوهش شامل مطالعات منتشرشده طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳ بوده که ۲۵ منبع واجد معیارهای روایی و ارتباط مفهومی انتخاب شد. داده‌ها از طریق فرم استاندارد گردآوری و با تحلیل مضمون در سه مرحله کدگذاری تحلیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد نقش‌آفرینی رسالت ساخت داخل در اصلاح ساختار تولید، در سه بعد اصلی قابل تبیین است: سیاست‌گذاری و نهادسازی، توانمندسازی فناورانه و دانشی، و حمایت اقتصادی و اثربخشی عملیاتی. بر این اساس، یک مدل مفهومی سه‌لایه تدوین شد که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی راهبردی برای سیاست‌گذاری فناورانه و تنظیم حکمرانی صنعتی در صنعت نفت به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: رسالت ساخت داخل، اصلاح ساختار تولید، صنعت نفت، توانمندسازی فناورانه، حمایت اقتصادی، فراترکیب.

۱. استادیار گروه مدیریت تکنولوژی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه مدیریت تکنولوژی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Sjalalpour@iau.ac.ir
۳. استادیار گروه مدیریت تکنولوژی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ایران به‌عنوان کشوری متکی بر منابع طبیعی، فرآیند صنعتی شدن خود را با صنعت نفت آغاز کرد؛ صنعتی که پیش از انقلاب عمدتاً بهره‌بردارانه و وابسته به فناوری‌های خارجی بود و توسعه تجهیزات نفتی در اولویت قرار نداشت (صدری افقه، ۱۳۹۱). در سال‌های ابتدایی انقلاب، به دلیل شرایط جنگی، تمرکز بر حفظ تولید نفت برای تأمین درآمدهای حیاتی بود. در ادامه طی سه دهه گذشته، تلاش‌هایی پیوسته برای بومی‌سازی و تقویت ظرفیت صنعتی کشور صورت گرفته است. قوانین متعددی همچون «حداکثر استفاده از توان فنی» (۱۳۷۵؛ ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۸)، «تمرکز امور صنعت و معدن» (۱۳۷۹)، و اسناد سیاستی چون «تولید ملی» (۱۳۹۱) و «اقتصاد مقاومتی» (۱۳۹۲) در جهت نهادینه‌سازی این رویکرد تدوین شده‌اند (زاهدی‌موحد، ۱۳۹۷). با وجود این، ضعف زیرساخت دانشی و کمبود نیروی متخصص تا پایان دهه ۱۳۷۰ مانع پیشرفت در ساخت داخل بود. مشارکت شرکت‌های بین‌المللی و تصویب قوانین حمایتی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، به‌ویژه با هدف جذب سرمایه و راه‌اندازی صندوق‌های حمایتی، تلاشی در جهت تقویت پیوند بین سیاست‌گذاری و اجرا بود، هرچند اثربخشی آن‌ها نیازمند ارزیابی دقیق‌تر است (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۰).

صنعت نفت ایران به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی، نیازمند سیاست‌هایی در راستای تقویت مهندسی، بومی‌سازی فناوری و کاهش وابستگی خارجی است؛ سیاست‌هایی که نه‌تنها ضرورتی اقتصادی، بلکه مأموریتی ملی در سیاست‌گذاری صنعتی و فناورانه تلقی می‌شوند (کاظمی نجف‌آبادی و غفاری، ۱۳۹۷). هرچند اقداماتی نظیر تدوین قوانین حمایتی، فهرست‌گذاری کالاهای اولویت‌دار، و ایجاد ستادهای تخصصی در وزارت نفت صورت گرفته (متین، ۱۴۰۰)، اما موانع ساختاری همچون نبود انسجام در ساختار مهندسی تولید، ضعف زنجیره تأمین، ناکارآمدی تدارکات و ارتباط ضعیف میان سیاست‌گذاران و مجریان، اثربخشی این سیاست‌ها را محدود کرده‌اند (مهری بابادی و همکاران، ۱۴۰۱).

در دنیای امروز، بومی‌سازی فناوری و توسعه ساخت داخل به‌عنوان راهبردی کلیدی در سیاست‌گذاری صنعتی کشورها، به‌ویژه اقتصادهای مبتنی بر منابع طبیعی، مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات نشان داده است که رشد پایدار این صنایع، در کشورهای درحال‌توسعه، آن‌طور که اغلب استدلال می‌شود، نتیجه بازارهای آزاد نیست، بلکه ناشی از اقدامات خاص سیاست صنعتی است که امکان انباشت قابلیت‌های تولیدی

و نوآوری را از طریق حمایت از تحقیق و توسعه، مشوق‌های مالی، کمک به صادرات و کنترل کیفیت فراهم کرده است تجارب موفق کشورهایی چون مالزی و شیلی نیز نشان می‌دهد که ارتقای صنعتی پایدار نیازمند مداخلات هدفمند و مهندسی نهادی و فناورانه است و صرفاً تکیه بر مزیت‌های طبیعی یا بازار آزاد کافی نیست (Lebdioui et al. 2021). در این میان، صنعت نفت ایران به دلیل وابستگی بلندمدت به واردات کالاها و تجهیزات پیشرفته، نیازمند بازنگری جدی در رویکردهای سنتی و تعریف دوباره‌ای از «رسالت ساخت داخل» است. در پژوهش حاضر، تلاش شده تا با تکیه بر مبانی نظری موجود، ابعاد و مؤلفه‌های این رسالت و رابطه آن با «اصلاح ساختارتولیدکالاهای نفتی» تبیین شود.

از منظر نظری، «رسالت ساخت داخل[1]» بر پایه دیدگاه اتزیونی (۱۹۷۳) به‌عنوان مأموریتی توسعه‌محور با تمرکز بر پاسخ‌گویی به نیازهای ملی از طریق بسیج ظرفیت‌ها و نهادهای داخلی تعریف می‌شود این رویکرد، برعکس مأموریت‌های بین‌المللی که به مسائل جهانی می‌پردازند، بر توسعه ملی، کاهش وابستگی و ارتقای رفاه اقتصادی و اجتماعی در درون کشور متمرکز است. در این چارچوب، رسالت ساخت داخل در صنعت نفت به معنای تلاش سازمان‌یافته و نظام‌مند برای ارتقای تولید داخلی کالاها و تجهیزات کلیدی، تقویت زنجیره تأمین بومی و پاسخ به نیازهای راهبردی کشور با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی تلقی می‌شود (Etzioni, 1973). تحقق این رسالت مستلزم تدوین سیاست‌هایی هماهنگ و چندبُعدی است که از طریق حمایت از دانشگاه‌ها، جایگزینی واردات و تأمین مالی بنگاه‌های نوپا شکل می‌گیرند (سحری‌راد و همکاران، ۱۴۰۳). با وجود ظرفیت‌های قابل‌توجه این رویکرد در ایجاد اشتغال، صرفه‌جویی ارزی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی، بومی‌سازی تجهیزات نفتی با چالش‌هایی چون تأمین نقدینگی، مشکلات ثبت سفارش، تخصیص ارز و تبعیض قراردادی مواجه است (خداپرست پیرسرایی، ۱۴۰۱).

در این چارچوب، «اصلاح ساختار تولید کالاهای نفتی» ضرورتی راهبردی برای تحقق بومی‌سازی به شمار می‌رود. این اصلاحات به معنای بازطراحی نظام‌مند فرآیندهای تولید از طریق پیاده‌سازی فناوری‌های نوین، مفاهیم بهره‌وری مانند شش سیگما و انطباق با نیازهای متغیر بازار است (Jevgeni et al. 2015). مهندسی تولید در صنعت نفت، با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و ارتقای ضریب بازیافت مخزن،

1. Domestic Missions

نیازمند توسعه دانش فنی بومی برای تجهیزاتی مانند دکل‌ها، سیستم‌های حفاری، پمپ‌ها و سامانه‌های مدیریت فشار و دبی است (Zheng et al. 2022). در پژوهش حاضر، «اصلاح فرآیندهای تولید» به‌طور خاص ناظر به تغییرات بنیادین در ساختار عملیاتی واحدهای تولید تجهیزات نفت و گاز است که شامل استقرار ابزارهای دیجیتال پیشرفته، به‌کارگیری روش‌های نوین سازمان‌دهی تیم‌های کاری و انطباق فرآیندهای تولید با نیازهای متغیر بازار می‌شود. این اصلاحات غالباً در جهت تقویت قابلیت پاسخگویی، چابک‌سازی عملیات و بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های فنی صورت می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، تقویت ساخت داخل در صنعت نفت به‌عنوان یکی از راهبردهای کلان توسعه صنعتی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با مرور پیشینه مطالعات داخلی و بین‌المللی، می‌توان این پژوهش‌ها را در ۳ حوزه دسته‌بندی کرد: ۱. سیاست‌گذاری صنعتی و توسعه فناورانه در صنعت نفت، ۲. نقش سیاست‌های محتوای محلی در بومی‌سازی تجهیزات راهبردی و ۳. تجربه نهادی و نظارتی در کشورهای درحال‌توسعه.

۱. سیاست‌گذاری صنعتی و توسعه فناورانه در صنعت نفت: مطالعاتی همچون همتی و همکاران (۱۳۹۹) به شناسایی معیارهای موفقیت پروژه‌های تحقیق و توسعه در پژوهشگاه صنعت نفت پرداخته‌اند و معیارهایی مانند ظرفیت فناورانه و دانشی را برای ارتقاء ساخت داخل برجسته کرده‌اند. رحیم‌دوست (۱۴۰۱) نیز با تأکید بر چالش‌هایی همچون نبود مرجع استاندارد، قوانین گمرکی بازدارنده و ضعف حمایت مالی، پیشنهادهایی عملی برای ارتقاء توان ساخت داخل ارائه داده است. سالاریان و همکاران (۱۴۰۱) نیز، با بررسی قراردادهای مشارکت در تولید، سازوکارهایی برای جذب سرمایه و ارتقاء مالکیت داخلی مطرح کرده‌اند.

۲. نقش سیاست‌های محتوای محلی در بومی‌سازی تجهیزات: ادبیات بین‌المللی، سیاست‌های محتوای محلی را به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء ظرفیت مهندسی، اشتغال و تولید ناخالص داخلی بررسی کرده است. برای مثال، راخمان و راتنایاک (۲۰۱۹) با تمرکز بر پروژه‌های نفتی ناب، چهار رکن کلیدی (رهبری، مشارکت، اعتماد و مدیریت پروژه) را برای بهبود عملکرد عملیاتی معرفی می‌کنند (Rachman and Ratnayake, 2019). انوانکو و ایکه (۲۰۲۲) در نیجریه، با مدل‌سازی هزینه‌های داخلی، اثر سیاست‌های محتوای محلی را بر رشد تولید ناخالص داخلی ارزیابی کرده‌اند، هرچند ضعف شفافیت قراردادی را مانعی مهم برشمرده‌اند (Nwankwo and Iyeke, 2022). در اندونزی، موتیا و همکاران (۲۰۲۵)

با استفاده از تحلیل سناریو و AHP، چارچوبی برای انطباق کسب‌وکارها با الزامات بومی‌سازی و محتوای محلی ارائه دادند (Mutia et al. 2025).

۳. تجربه نهادی و نظارتی در کشورهای درحال‌توسعه: مطالعاتی مانند الیزوندو و مجیا (۲۰۲۴) در مکزیک، چالش‌های نهادی و منطقه‌ای در پیاده‌سازی نظارت فناورانه را پس از اصلاحات انرژی بررسی کرده‌اند (Elizondo and Mejía, 2024). در یونان، تسانی (۲۰۲۱) نشان داده که سیاست‌های بومی‌سازی زمانی مؤثر خواهند بود که با اهداف زیست‌محیطی، ظرفیت‌سازی دانشی و آموزش فنی تلفیق شوند (Tsani, 2021).

در مجموع، تقویت ساخت داخل در صنعت نفت، نه‌تنها یک راهبرد فناورانه، بلکه مأموریتی توسعه‌محور است که تحقق آن نیازمند هم‌افزایی میان سیاست‌گذاری صنعتی، نهادسازی اجرایی و بازمهندسی ساختار تولید است. با توجه به تجربیات ملی و بین‌المللی، موفقیت در این مسیر منوط به تعریف دقیق رسالت ساخت داخل، ایجاد پیوند مؤثر با ساختارهای مهندسی تولید و تقویت زیرساخت‌های حمایتی، دانشی و مالی است. در همین راستا، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که: رسالت ساخت داخل چگونه می‌تواند به اصلاح ساختار مهندسی ساخت کالاهای وزارت نفت منجر شود؟

در پاسخ به این سؤال، اهداف چهارگانه‌ای دنبال می‌شود: ۱. تبیین مفهوم و ابعاد رسالت ساخت داخل در صنعت نفت ایران، ۲. تحلیل عوامل مؤثر بر ساختار مهندسی تولید، ۳. بررسی تعامل میان سیاست‌های ساخت داخل و ساختارهای مهندسی از منظر حکمرانی و ۴. ارائه الگویی سیاستی برای اصلاح ساختار مهندسی با رویکرد مأموریت‌محور.

در ادامه، مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: پس‌ازاین مقدمه، در بخش دوم به روش‌شناسی پژوهش با تمرکز بر رویکرد فراترکیب پرداخته می‌شود. بخش سوم به ارائه یافته‌ها اختصاص دارد. در بخش چهارم، مدل مفهومی استخراج‌شده تحلیل می‌گردد و درنهایت به ارائه پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و بازیگران کلیدی صنعت نفت می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکردی

اکتشافی ـ تحلیلی به دنبال تبیین تأثیر رسالت ساخت داخل بر اصلاح ساختار مهندسی تولید کالاهای نفتی در وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران است. در لایه فلسفی، رویکرد هستی‌شناسانه پژوهش بر مبنای «ساخت‌گرایی[1]» و معرفت‌شناسی آن «تأویل‌گرایی[2]» است که تأکید بر تفسیر معناها در بسترهای اجتماعی و سازمانی دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر از نوع کیفی و توسعه‌ای ـ کاربردی است. از منظر ماهیت داده‌ها و نوع تحلیل، پژوهش در دسته مطالعات کیفی قرار می‌گیرد؛ زیرا درصدد درک عمیق و تفسیر معانی، مفاهیم و الگوهای پنهان در متون علمی و پژوهشی مرتبط با ساخت داخل و مهندسی ساخت در صنعت نفت است. در لایه روش‌شناسی، از راهبرد «فراترکیب[3]» بهره گرفته شده که روشی نظام‌مند در پژوهش‌های کیفی برای تلفیق یافته‌های مطالعات پیشین به‌منظور تولید مدلی نظری و تحلیلی است. در این راستا، الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) مبنای اجرایی پژوهش قرار گرفت. مراحل این روش شامل: ۱. تعریف سؤال پژوهش، ۲. جستجوی نظام‌مند منابع، ۳. انتخاب منابع واجد شرایط، ۴. استخراج داده‌ها، ۵. تحلیل و ترکیب مفاهیم، ۶. کنترل کیفیت یافته‌ها، ۷. ارائه مدل مفهومی نهایی است.

جامعه پژوهش شامل کلیه مطالعات علمی داخلی و بین‌المللی منتشرشده در حوزه سیاست‌های صنعتی، بومی‌سازی و مهندسی ساخت در صنعت نفت است که در بازه زمانی دهه اخیر (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴) از طریق پایگاه‌های معتبر علمی[4] گردآوری شدند. در فرآیند جستجو، از ترکیب کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی استفاده شد. نمونه‌هایی از واژگان کلیدی عبارت‌اند از: «ساخت داخل»، «مهندسی ساخت»، «صنایع راهبردی»، «سیاست صنعتی»، «بومی‌سازی»، «وزارت نفت»، «Engineering Design»، «Local Manufacturing»، «Industrial Policy»، و «Petroleum Industry». تمامی منابع جستجو در قالب جدول اولیه فهرست شدند و اطلاعات کتاب‌شناختی آن‌ها ثبت شد. پس از گردآوری اولیه، منابع با توجه به معیارهای مشخصی مورد غربال‌گری قرار گرفتند. فرآیند غربالگری شامل ورود و انتخاب مقالات و حذف یا خروج مقالات نامناسب است. با اعمال معیارهای ورود و خروج مشخص، از میان ۵۴ منبع اولیه، ۲۵ مقاله به‌عنوان نمونه نهایی برای تحلیل انتخاب شد (جدول ۱).

1. Constructivism
2. Interpretivism
3. Meta-synthesis
4. Google Scholar, Scopus, ScienceDirect, Springer, SID,Magiran

جدول ۱. مقالات نهایی استفاده‌شده برای فراترکیب

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
۱	همتی و دیگران	۱۳۹۹	بر اساس نتایج کسب‌شده، ۶ معیار اصلی و ۱۷ زیرمعیار برای موفقیت پروژه‌های تحقیق و توسعه در پژوهشگاه صنعت نفت شناسایی شد که سه معیار: تکنیکی، سازمانی و فناوری ـ دانشی در بین معیارهای اصلی و چهار معیار: رضایت بهره‌بردار، کسب اعتبار، تطابق با الزامات کارفرما و تأثیر بر کسب‌وکار سازمان در بین زیرمعیارهای شناسایی شده، بالاترین اولویت را کسب کردند.
۲	سالاریان و همکاران	۱۴۰۱	در صورت اصلاح قوانین به‌منظور استانداردسازی قوانین با معیارهایی که به حاکمیت کشور و مالکیت منابع طبیعی لطمه‌ای وارد نمی‌کند، لازم است قراردادهایی که در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اعمال شود و شرایط برد ـ برد برای طرفین قرارداد فراهم شود. یکی از این قراردادها که در حال حاضر کاربرد گسترده‌ای در صنایع نفت و گاز کشورهای نفت‌خیز دارد، قرارداد مشارکت در تولید است. با این مشارکت می‌تواند در سطوح و زمان‌های مختلف بهره‌برداری به‌گونه‌ای باشد که خللی در مالکیت و حاکمیت کشور بر این منابع نداشته باشد.
۳	رعنایی کردشولی و علوی	۱۳۹۸	برای ایجاد مزیت رقابتی، سازمان‌های فعال در صنعت نفت باید بتوانند متناسب با شرایط موجود، در استراتژی مدیریت سرمایه‌های نامشهود خود، از بین سه‌نظام مدیریت دانش، مدیریت نوآوری و مدیریت مالکیت معنوی یکی را در اولویت قرار دهند و بر آن تمرکز کنند. درنهایت با تلفیقی از این مبانی و مفاهیم، الگوی پیشنهادی برای ایجاد تحول سازمانی در صنعت نفت و حرکت به سمت دانش‌بنیان کردن سازمان‌ها در این صنعت ارائه و شش گام لازم برای طی این مسیر تشریح شده است.
۴	قانعی‌راد و همکاران	۱۳۹۷	با محوریت هشت برنامه وزرای نفت پس از انقلاب و همچنین مصاحبه‌های تکمیلی، خردمایه مداخله دولت در توسعه فناوری بالادستی نفت در ایران با استفاده از روش‌های تحلیل مضمون و تحلیل گفتمان در پنج دوره پس از انقلاب و در دو محورخردمایه نظری و ایده سیاستی موردبررسی قرار گرفته است. در محور خردمایه نظری، مداخلات بیشتر مبتنی بر دیدگاه‌های ساختارگرایی و در برخی دوره‌ها نیز ورود دیدگاه‌های نئوکلاسیکی

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
			و نهادگرایی بوده است. در این مقاله ایده سیاستی به دو بُعد ایده حکمرانی و ایده فنی تقسیم شده است. با توجه به غلبه گفتمان بهره‌برداری در صنعت نفت، ایده حکمرانی مبتنی بر تجمیع و هدایت خرید قطعات و تجهیزات به سمت ساخت داخل و انتقال فناوری از شرکت‌های خارجی در قالب قراردادهای نفتی شکل می‌گیرد و ایده فنی نیز از کپی‌سازی و مهندسی معکوس قطعات و تجهیزات آغاز و در یک سیر تکاملی ــ البته دیرهنگام ــ به کسب دانش و فناوری مطالعه و توسعه میادین و مدیریت طرح‌های توسعه منتهی می‌شود.
۵	نگین تاجی و نورعلی دخت	۱۴۰۱	شوک‌های تولید ناخالص داخلی، ارزش‌افزوده و قیمت نفت، اثر مثبتی بر سرمایه‌گذاری در بخش نفت داشته و دراین‌بین، شوک ناشی از تولید ناخالص داخلی، بیشترین اثر را دارد. همچنین شوک نرخ ارز در ابتدا، اثر انقباضی بر سرمایه‌گذاری این بخش داشته و بعد از دو دوره زمانی، میزان سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند.
۶	فهیمی‌تبار و همکاران	۱۴۰۳	شناسایی ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر مدیریت روابط عمومی را در ۶ بعد اصلی (مدیریتی، ساختاری، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و اخلاقی). بعد مدیریتی با توجه به نظرات سرپرستان و مشاوران شامل دو مؤلفه اصلی ۱. شایستگی ۲. جهاد بود. مؤلفه شایستگی شامل شاخص‌های کسب‌وکار، مدیریت دیگران و مدیریت خود و مؤلفه جهادی شامل شاخص‌های انقلابی، درون‌نگر و مردمی و مؤلفه ساختاری شامل شاخص‌های مربوط به ساختار و استراتژی مناسب و بسیج قابلیت‌های دسته‌بندی شده خاص است.
۷	حسین‌زاده و همکاران	۱۴۰۲	هفت نوع دانش در شرکت نفت وجود دارد که عبارت‌اند از: دانش عملیاتی، دانش تخصصی، دانش بازرگانی، دانش یادگیری از موفقیت و شکست، دانش فرایند، دانش مشروط، دانش فرا سازمانی اگر دانش در سازمان مستند نباشد، با خروج کارکنان از سازمان، دانش موجود در سازمان از بین خواهد رفت. مدیریت دانش و مستندسازی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
۸	رحیم‌دوست	۱۴۰۱	با وجود عملکرد نسبتاً مناسب در زمینه حمایت از تولیدکنندگان داخلی، چالش‌های عدیده‌ای از قبیل ۱. فقدان مرجع واحد و تصمیم‌گیر برای راستی آزمایی و صدور مجوز تجهیزاتی، ۲. موانع

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
			ناشی از قوانین گمرکی، ۳. بی‌اعتمادی به سازندگان داخلی، ۴. ضعف قانون مناقصات کشور، ۵. فقدان استراتژی منسجم برای برنامه‌ریزی، ۶. فقدان تضامین دولتی در سطح بین‌المللی و ۷. استانداردسازی ناکافی تجهیزات و قطعات مانع از استفاده از ظرفیت حداکثری تولید داخل در صنعت کلیدی نفت و گاز شده است. در این راستا، راهکارهایی ازجمله ۱. حمایت واقعی و پایدار از سازندگان داخلی تجهیزات و قطعات کلیدی، ۲. رفع موانع قانونی مرتبط با گمرک و ترخیص مواد اولیه مورد نیاز تجهیزات صنعت نفت، ۳. ایجاد نهاد صدور استانداردهای لازم برای ارزیابی تجهیزات و قطعات تولیدی و ۴. تسهیل در امور گمرکی و گشایش اعتبارات اسنادی، پرداخت‌ها و تضامین، قابل اجراست.
۹	نوروزی	۱۳۹۷	هیچ یک از چارچوب‌های قراردادی برای پوشش همهٔ عوامل حیاتی موفقیت در انتقال فناوری ظرفیت لازم را ندارند. بااین‌حال قراردادهای مشارکتی و خدماتی به‌سبب بهره‌گیری از ابزارهای بیشتر و متنوع‌تر ظرفیت بیشتری برای تحقق انتقال فناوری دارند. لذا می‌توان گفت قراردادهای بالادستی نفت، به‌سبب ماهیت حقوقی و مشروعیت‌ساز خود، ابزارهایی «لازم» برای انتقال فناوری هستند ولی برای تحقق این امر «کافی» نیستند.
۱۰	عربی و همکاران	۱۳۹۹	اجرای سیاست الزام سهم داخل با هدف حمایت از تولید داخل و انتقال تکنولوژی و درون‌زا کردن کل فرایند تولید اعمال می‌شود. به‌منظور حمایت از تولید داخل از گزینه‌های دیگری مانند سیاست اعطای یارانه به تولید داخل و اخذ تعرفه از کالای وارداتی نیز استفاده می‌شود. این مدل برای یک پالایشگاه گازی با ظرفیت پالایش روزانه ۲۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی ناخالص، تعیین شده و میزان سهم بهینه داخل و خارج مشخص شده است که در پروژه موردبررسی سهم داخل برابر ۴۹/۶ درصد و سهم شرکت خارجی سرمایه‌گذار ۵۰/۶ درصد برآورد شده است. اثرات رفاهی ناشی از الزام سهم داخل از طریق مقایسه این سیاست با سیاست اعمال تعرفه بر سرمایه‌گذار خارجی نیز اندازه‌گیری و تشریح شده است. میزان رفاه عمومی ناشی از سیاست الزام سهم داخل در پروژه موردبررسی، معادل ۲۲۰ میلیون دلار برآورد شده است.

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
۱۱	متین	۱۴۰۰	سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی که برای رفع چالش‌های این صنعت در زمینه تولید می‌توان بیان کرد عبارت است از: تأمین مالی داخلی، گسترش بهره‌گیری از نفت خام تولیدی کشور با افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های میعانات گازی و نفت خام با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی، گسترش بازارهای صادرات نفت خام، گاز طبیعی و فراورده‌های نفتی و ایجاد مهارت‌های رقابت در عرصه بین‌المللی، حمایت واقعی از سازندگان داخلی (همراهی دولت با بخش خصوصی برای بهبود وضعیت تکنولوژیکی با همراهی قطب‌های علمی و فناوری، پشتیبانی مالی طرح‌ها، اجرای مؤثر قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و حمایت از کالای ایرانی، تقویت دانش فنی، آموزش نیروی انسانی ماهر و کارآمد، به‌روز کردن تجهیزات تولید با دانش فنی روز، توسعه فرهنگ کارگروهی میان شرکت‌های داخلی، جداسازی مسائل حاکمیتی از مالکیت شرکت‌ها، اشتغال‌زایی برای توسعه ملی، تسهیل در انجام امور گمرکی، تسهیل و گشایش در اعتبارات اسنادی، کاهش هزینه مبادله، متقبل شدن ریسک تصمیمات توسط دولت که به بخش خصوصی تحمیل می‌شود و پرداخت هزینه مبادله ناشی ازاین‌گونه تصمیمات از سوی دولت به فعالان اقتصادی و کارآفرینان و کاهش زمینه‌های رانت‌جویی).
۱۲	رضاییان و همکاران	۱۴۰۱	در این مطالعه ابزارها و راه‌کارها در ۸ محور اصلی و ۴۹ ابزار و راه‌کار کدگذاری شد. محورهای اصلی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: کاهش چالش‌های محیط کلان اقتصادی و سیاسی با وزن ۲۵/۹ درصد، حمایت از پژوهش و توسعه فناوری و نوآوری با وزن ۱۳/۶ درصد، مدیریت تقاضا و بازار با وزن ۱۲/۸ درصد، حمایت از سرمایه‌گذاری در زنجیره تأمین صنعت گاز با وزن ۱۲/۲ درصد، برقراری هماهنگی و مدیریت عوامل بیرونی با وزن ۱۱/۵ درصد، حمایت از توسعه منابع انسانی با وزن ۱۰/۵ درصد، ایجاد یا تقویت نهادها ۸/۱ درصد و جبران نقص اطلاعات ۵/۵ درصد. نتیجه‌گیری: حمایت از سازندگان کالا و تجهیزات داخلی، موضوعی چند انضباطی است و نیازمند به بسته منسجم و متوازنی از ابزارها و راه‌کارهاست.

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
۱۳	شکوهیار و احمدی	۱۳۹۵	هفت استراتژی منتخب اولویت‌بندی شده شامل این موارد است: استفاده از توانایی شرکت‌های زیرمجموعه گروه و حمایت از آن‌ها در جهت کاهش تأخیرها در بخش خرید تجهیزات و حمایت از تولید داخل، استفاده از توانایی مدیران مجموعه به‌منظور سفارش تجهیزات از سازندگان دیگر در برای خنثی‌سازی تحریم، مدیریت قرارداد مشاور و پیمانکار در جهت کاهش و بستن راه‌های ادعایی آن‌ها، استفاده از توانایی‌های مپنا بین‌الملل در جهت انتقال ارز به سازندگان خارجی.
۱۴	تکلیف و همکاران	۱۳۹۷	انتقال فناوری در پرتو تأمین نیازهای فناورانه صنعت ساخت تجهیزات نفتی و توانمندسازی سازندگان داخلی تا سطح رعایت اصول اقتصادی بنگاه‌داری، در قالب قراردادهای جدید نفتی میسر نشده و با اشکالات غیرقابل اصلاحی از جمله انتظار نادرست تأمین نیازهای فناورانه این صنعت از شرکت‌های نفتی بین‌المللی و ناکارایی این الگوی قراردادی در ارتقای سطح فناوری تولیدکنندگان داخلی تجهیزات هدف مواجه است.
۱۵	کاظمی نجف‌آبادی و غفاری	۱۳۹۸	«همسویی فناوری صنعت تجهیزات»، «ایجاد پوشش تجهیزات استاندارد»، «توجه به توسعه صنایع تولید تجهیزات داخلی به‌عنوان بخشی از زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز کشور» و «برندسازی و تقویت حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی» معیارهای اساسی برای ارزیابی منابع حقوق نفتی در حمایت از توسعه صنایع داخل تجهیزات نفتی است.
۱۶	خداپرست پیرسرایی	۱۴۰۲	اتخاذ راهکارهایی از قبیل نظام فناوری ملی با تأکید بر ایجاد انگیزه در صنعت نفت در راستای توسعه تحولات نوآورانه، کنترل و پایش خریدهای خارجی دارای مشابه تولید داخل، ارتقای کیفیت تجهیزات تولید داخل و ایجاد نهاد سنجش کیفیت و استانداردسازی، مشارکت با سازندگان خارجی معتبر در ساخت تجهیزات مورد نیاز، حمایت واقعی و پایدار از سازندگان داخلی تجهیزات و قطعات کلیدی، ایجاد نهاد صدور استانداردهای لازم برای ارزیابی تجهیزات و قطعات تولیدی، تسهیل در امور گمرکی و گشایش اعتبارات اسنادی، پرداخت‌ها و تضامین، اتخاذ تدابیری برای پرداخت به‌موقع مطالبات تولیدکنندگان، اتخاذ استراتژی‌های کارآمد در راستای ارائه تسهیلات

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
			و حمایت‌ها و حمایت مؤثر از طرح‌های نوسازی و ارتقای فناوری در بخش‌های تولید و مصرف انرژی پیشنهاد می‌شود.
۱۷	Acheampong et al.	۲۰۱۶	تجربه کشورهای موردمطالعه نشان می‌دهد که موفقیت یا عدم موفقیت قوانین و سیاست‌های محتوای محلی تابعی از تنظیمات سازمانی و پارادایم توسعه یک کشور است. قانون‌گذاری و سیاست‌های محتوای محلی موفق باید بر اصول زیر مبتنی باشد: ۱. سیاست‌های محتوای محلی باید فراتر از تولید ساده رانت‌های اقتصادی نگاه کنند تا بر توسعه پیوندها تمرکز کنند. ۲. ابزارهای توسعه‌یافته برای اندازه‌گیری معیارهای موردتوافق در محتوای محلی باید به‌وضوح برای پذیرش همه بازیگران صنعت تعریف شوند. و ۳. استحکام بخشیدن به محتوای محلی بستگی به در دسترس بودن یک‌پایه عرضه صنعتی دارد که می‌تواند به‌عنوان اهرم رشد عمل کند.
۱۸	Nwankwo and Iyeke	۲۰۲۲	قوانین محتوای محلی در صنعت نفت و گاز نیجریه منجر به افزایش قابل‌توجهی در ارائه خدمات مهندسی در نیجریه شده است، همان‌طور که در افزایش تعداد شرکت‌های ثبت‌شده در شرکت‌های شرکت‌کننده در خدمات مهندسی در نیجریه مشاهده می‌شود. بخش‌هایی از آن‌که شرکت‌های نفت و گاز را موظف می‌کند به شرکت‌های محلی یا نیجریه‌ای با ظرفیت مورد نیاز اولویت دهند، انگیزه را افزایش داده است.
۱۹	Mutia et al.	۲۰۲۵	فرایندهای تصمیم‌گیری ظریف و سازگاری‌های استراتژیک که می‌توان از طریق هم‌افزایی برنامه‌ریزی سناریو و تحلیل AHP در حوزه پروژه‌های بومی‌سازی به دست آورد، روشن می‌کند. یافته‌ها و بینش‌های ما راهنمایی عملی برای تصمیم‌گیرندگانی است که با پیچیدگی‌های انطباق با محتوای محلی و پایداری بلندمدت استراتژی‌های تجاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند.
۲۰	Tsani	۲۰۲۱	آخرین پیشرفت‌ها در زمینه اکتشاف و فعالیت‌های تولید هیدروکربن در یونان و از مطالب اخیر مرتبط با محتوای محلی ناشی می‌شود. تجزیه‌وتحلیل نتیجه می‌گیرد که در مواجهه با اقدامات آب و هوایی، نوآوری سریع تکنولوژیکی، و شدت سرمایه بالا که مشخصه بخش است، انتقال دانش و ارتقاء آموزش به‌عنوان عوامل مهم دستیابی به رشد پایدار از طریق سیاست‌های محتوای محلی ظاهر می‌شوند.

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های کلیدی
۲۱	Pegram et al.	۲۰۱۸	درحال‌حاضر، تنوع قابل‌توجهی در نحوه برنامه‌ریزی و اجرای استراتژی‌های بومی‌سازی نقش شغلی و محتوای محلی کشورها و سازمان‌ها وجود دارد. بومی‌سازی نقش شغلی توانمندسازها و موانع بومی‌سازی را ارزیابی می‌کند. یک بحث انتقادی در مورد ابزارهای ارزیابی سیاست‌های محتوای محلی، یافته‌های این بررسی انتقادی را خلاصه می‌کند.
۲۲	Zhdaneev et al.	۲۰۲۴	تأثیر کوتاه‌مدت مثبت LCP بر نوآوری در برزیل، مالزی و عربستان سعودی و اثرات بلندمدت در چین و آفریقای جنوبی مشاهده شد. توصیه‌هایی برای بهبود اثربخشی LCP در روسیه با روشی برای محاسبه سطح حاکمیت تکنولوژیک تکمیل شده است. پالایش روش برای حل مشکل «پاسخگویی»، با ترکیب سطح بومی‌سازی، پیشنهاد شده است.
۲۳	Jahromi	۲۰۲۱	چارچوب‌های قانونی و نظارتی شفاف، مکانیسم‌های برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل عملکرد قوی، همراه با معیارهای دقیق برای اندازه‌گیری محتوای محلی، پیش‌نیازهای ضروری برای تحقق سیاست‌های محتوای محلی هستند. برای طراحی خط‌مشی مناسب باید ویژگی‌های عملیات و نیاز به پیاده‌سازی فناوری‌های جدید را نیز در نظر گرفت. علاوه بر این، توسعه رویکردهای یکپارچه و قوانین و مقررات همسو می‌تواند دستیابی به اهداف توسعه را تسهیل و تسریع کند.
۲۴	Pereira et al.	۲۰۱۸	تأثیر این سیاست‌ها بر توسعه اقتصادی کشورهایی که آن‌ها را اتخاذ کرده‌اند می‌پردازد. درنهایت، حوزه‌های چالش و نگرانی امروزی را برای کشورهای درحال‌توسعه که به دنبال طراحی و اجرای سیاست‌های محتوای محلی خود هستند.
۲۵	Olawuyi	۲۰۲۱	افزایش الزامات محتوای محلی (LCR) در کشورهای غنی از منابع در سراسر جهان چالش‌های جدید و معاصری را برای قانون سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایجاد می‌کند. درحالی‌که LCRها عموماً با هدف تقویت ایجاد ارزش داخلی و رشد اقتصادی بلندمدت هستند، LCRهای نامناسب طراحی شده می‌تواند منجر به ناهماهنگی سیاست‌های مالی کشور و قوانین سرمایه‌گذاری بین‌المللی شود و درنهایت ممکن است به‌عنوان بازدارنده برای سرمایه‌گذاری خارجی عمل کند.

ابزار گردآوری داده‌ها، فرم استاندارد استخراج اطلاعات بود که شامل متغیرهایی مانند هدف پژوهش، روش تحقیق، یافته‌های کلیدی و مضامین مفهومی بود. این داده‌ها طی فرآیند تحلیل مضمون شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، به مفاهیم اصلی پژوهش تبدیل شدند. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی با بهره‌گیری از رویکرد مضمون‌محور و فراترکیب بود. در مرحله نخست، داده‌ها آماده‌سازی و کدگذاری شدند؛ سپس طبقات مفهومی شناسایی و ترکیب شدند تا درنهایت چارچوب مفهومی نهایی استخراج شود.

به‌منظور تضمین اعتبار یافته‌ها در چارچوب رویکرد کیفی، با بهره‌گیری از چارچوب اعتباربخشی انجام شد. بر این اساس، چهار معیار اصلی شامل باورپذیری، قابلیت انتقال، اتکاپذیری و تأییدپذیری[1] به کار گرفته شد (Wagner et al., 2010). برای افزایش باورپذیری، فرآیند کدگذاری توسط دو تحلیل‌گر مستقل انجام و سپس تطبیق و اجماع بر سر مفاهیم صورت گرفت. به‌منظور تقویت اتکاپذیری، مسیر تحلیل داده‌ها با مستندسازی گام‌به‌گام و ثبت تصمیمات پژوهشی قابل بازبینی شد. همچنین با تطبیق نتایج با پیشینه نظری و بهره‌گیری از بازنگری مجدد یافته‌ها توسط خبرگان حوزه سیاست‌گذاری فناوری، تأییدپذیری داده‌ها تضمین شد. درنهایت، قابلیت انتقال از طریق توصیف غنی زمینه‌ها، مقایسه‌پذیری با سایر مطالعات و شفاف‌سازی ویژگی‌های نمونه‌ها فراهم گردید. این تمهیدات به پژوهش اعتبار علمی و قابلیت اتکای بالاتری بخشیده‌اند. درنهایت، پژوهش با ارائه مدلی مفهومی شامل ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی در زمینه نقش رسالت ساخت داخل در اصلاح ساختار مهندسی ساخت تجهیزات صنعت نفت، به ارائه پیشنهادهای سیاستی و تبیین شکاف‌های پژوهشی پرداخت.

یافته‌ها

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تحلیل محتوای کیفی، مجموعه‌ای از مضامین کلیدی پیرامون تأثیر رسالت ساخت داخل بر بهبود ساختار مهندسی ساخت کالاهای وزارت نفت استخراج شد. فرآیند تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در مرحله نخست، از ۲۵ مقاله علمی معتبر، بیش از ۶۰ کد مفهومی شناسایی شد. سپس، این کدها در قالب ۸ مقوله محوری دسته‌بندی شدند که هر یک نمایانگر ابعاد مختلف اثرگذاری ساخت داخل بر سیاست‌گذاری، فناوری، سازمان و

1. Credibility, Transferability, Dependability and Confirmability

اقتصاد صنعت نفت هستند. درنهایت، سه مقوله گزینشی زیر به‌عنوان مضامین نهایی پژوهش شناسایی گردید. این مضامین، شالوده مدل مفهومی نهایی پژوهش را تشکیل می‌دهند که در بخش بعد تشریح شده و مبنای سیاست‌گذاری‌های آینده در حوزه بومی‌سازی تجهیزات راهبردی وزارت نفت قرار می‌گیرد. جدول ۲، کدهای اولیه، مفاهیم محوری و مضامین گزینشی را بازنمایی می‌کند.

یافته‌های این پژوهش منجر به ارائه مدلی مفهومی شد که در قالب سه محور کلیدی و به‌صورت لایه‌ای و تعاملی، نحوه اثرگذاری رسالت ساخت داخل بر بهبود ساختار مهندسی تولید کالاهای راهبردی در صنعت نفت ایران را تبیین می‌کند. این مدل، تصویری نظام‌مند از سازوکارهای نهادی، فناورانه و اجرایی لازم برای تقویت ساخت داخل فراهم می‌آورد و قابلیت بهره‌برداری برای تدوین سیاست‌های صنعتی و فناورانه در سطح ملی را دارد.

جدول ۲. کدهای باز، محوری و گزینشی

مقوله گزینشی	مفهوم محوری	کد اولیه
چارچوب‌سازی نهادی و سیاست‌گذاری	**سیاست‌گذاری راهبردی ساخت داخل**	تدوین مأموریت ساخت داخل
		تعیین اهداف کلان برای بومی‌سازی
		تدوین نقشه راه ملی ساخت داخل
		تعیین اولویت کالاهای راهبردی
		تنظیم سند چشم‌انداز بومی‌سازی
		سیاست‌گذاری برای استانداردسازی کالاها
		تعیین مدل همکاری دولت و صنعت
		پیش‌بینی نیازهای آتی فناوری در صنعت نفت
	بازآفرینی ساختار نهادی و اجرایی مهندسی	اصلاح ساختار اجرایی پروژه‌ها
		تعریف ساختار مهندسی پروژه‌ها
		بازمهندسی فرآیندهای ساخت داخل
		طراحی سامانه مدیریت دانش فنی
		ایجاد زنجیره تأمین داخلی برای کالاها
		مدیریت پروژه‌های بومی‌سازی
		طراحی پلتفرم ملی تقاضای ساخت داخل
	حاکمیت قانونی و نظارت	ایجاد نهاد ناظر ساخت داخل
		تدوین مقررات بومی‌سازی

مقوله گزینشی	مفهوم محوری	کد اولیه
		اجرای نظام گواهی‌نامه تولید داخل
		تقویت ضمانت اجرایی قوانین ساخت داخل
		وضع قوانین تشویقی برای تولیدکنندگان داخلی
		تدوین شاخص‌های ارزیابی داخلی‌سازی
		اجرای سیاست الزام سهم داخل
		اصلاح قوانین مناقصات برای حمایت از داخل
		شفاف‌سازی فرآیند صدور مجوز تولید داخل
توانمندسازی فناورانه و سازمانی	توسعه سرمایه انسانی و دانش فنی	آموزش نیروی متخصص در حوزه نفت
		جذب نخبگان و متخصصان جوان
		ایجاد مراکز تربیت نیروی فنی
		ارتقای مهارت‌های فنی و مدیریتی
		فرهنگ‌سازی برای مصرف کالای داخلی
		به‌روزرسانی دانش فنی صنایع پایین‌دستی
		مستندسازی تجربیات پروژه‌های بومی‌سازی
	تقویت زیرساخت‌های فنی و فناورانه	حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان
		توسعه مراکز آزمون و ارزیابی کیفیت
		به‌روزرسانی تجهیزات مهندسی ساخت
		دیجیتالی‌سازی فرآیندهای ساخت
		تقویت ظرفیت آزمایشگاهی کشور
		استفاده از فناوری نوین در ساخت کالا
		ارزیابی توان تولید داخل برای سفارش‌گذاری
	توسعه همکاری‌های فناورانه و انتقال دانش	انتقال دانش از شرکت‌های خارجی
		انعقاد قراردادهای انتقال فناوری
		مشارکت دانشگاه و صنعت
		راه‌اندازی مراکز توسعه فناوری مشترک
		تعامل با سازندگان بین‌المللی معتبر
		اتصال پروژه‌های EPC به سازندگان داخلی
		تدوین چارچوب قراردادهای انتقال فناوری
پشتیبانی اقتصادی و اثربخشی	مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری	تخصیص منابع مالی به ساخت داخل
		اعطای تسهیلات بانکی به سازندگان
		طراحی مشوق‌های مالیاتی برای بومی‌سازی

مقوله گزینشی	مفهوم محوری	کد اولیه
		تعریف مدل اقتصادی حمایت از ساخت داخل
		سرمایه‌گذاری مشترک با بخش خصوصی
		حمایت از خوشه‌های صنعتی منطقه‌ای
	پیامدهای ساخت داخل و اثرات بلندمدت	ارزیابی بازده ساخت داخل
		سنجش میزان کاهش واردات
		تحلیل تأثیر ساخت داخل بر اشتغال
		بررسی صرفه‌جویی ارزی حاصل از بومی‌سازی
		ارزیابی تاب‌آوری زنجیره تأمین
		پایش مستمر عملکرد بومی‌سازی
		شکل‌گیری برند ملی کالاهای ایرانی
		پایش اثرات بومی‌سازی بر رفاه ملی

در محور نخست (سیاست‌گذاری و نهادسازی)، بر ضرورت بازطراحی ساختارهای نهادی و قانونی و استقرار سیاست‌های یکپارچه با مکانیسم‌های تنظیم‌گری و پاسخگویی تأکید شده است. این لایه، بنیان حاکمیتی و راهبردی مدل را شکل می‌دهد و نقش جهت‌دهنده‌ای در تحقق مأموریت بومی‌سازی ایفا می‌کند. محور دوم (توانمندسازی فناورانه و دانشی)، بر ارتقاء ظرفیت‌های فنی و سرمایه انسانی متمرکز است. تمرکز بر آموزش مهارت محور، تقویت بنیه تحقیق و توسعه، و بهره‌برداری هدفمند از همکاری‌های بین‌المللی در انتقال دانش و فناوری، از الزامات حیاتی این بخش است. این محور، ظرفیت رقابت‌پذیری و نوآوری داخلی را بنیان‌گذاری می‌کند. در محور سوم (پشتیبانی اقتصادی و اثربخشی اجرایی)، سیاست‌های تأمین مالی، ارزیابی پیامدها، و تاب‌آورسازی زنجیره تأمین، نقش مکمل و تضمین‌کننده اجرای اثربخش سیاست‌های ساخت داخل را ایفا می‌کنند. این لایه، زیرساخت تحقق عملیاتی مدل را فراهم کرده و اتصال مستقیم با میدان عمل دارد.

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. مدل مفهومی پژوهش، در پیوند با ادبیات نظری و تجربی پیشین، از مزیت نظام‌مندی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی راهبردی در فرایند سیاست‌گذاری دولت در حوزه صنعت نفت به کار گرفته شود. طراحی سازوکارهای اجرایی برای سنجش اثربخشی سیاست‌های بومی‌سازی در سطح پروژه‌ای و بنگاهی، گام مهمی برای تحقق کارآمدتر این الگو خواهد بود.

شکل ۱. مدل مفهومی رسالت ساخت داخل در اصلاح ساختار تولید کالای نفتی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تأثیر رسالت و مأموریت ساخت داخل بر بهبود ساختار مهندسی ساخت کالاهای وزارت نفت، در سه محور اصلی تجلی می‌یابد: ۱. چارچوب‌سازی نهادی و سیاست‌گذاری، ۲. توانمندسازی فناورانه و سازمانی، و ۳. پشتیبانی اقتصادی و اثربخشی. این سه محور به‌مثابه ستون‌های اصلی در مدل مفهومی استخراج‌شده از فراترکیب، قابل‌تحلیل و بررسی است. در ادامه با توجه به یافته‌های این پژوهش و مقایسه آن با پژوهش‌های پیشین به بحث پیرامون یافته‌ها پرداخته می‌شود.

نخست، چارچوب‌سازی نهادی به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق سیاست‌های ساخت داخل، بر ضرورت هماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار، مجریان و نهادهای ناظر تأکید می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موفقیت برنامه‌های بومی‌سازی صرفاً در صورتی امکان‌پذیر است که ساختارهایی چند سطحی و شبکه‌ای با مشارکت هم‌زمان دولت، صنعت و نهادهای دانشی طراحی و اجرا شوند. چنین نگرشی با مدل مدیریت شبکه‌ای آگرانوف و مک‌گوایر (۱۹۹۸) هم‌خوانی دارد که بر نقش همکاری شبکه‌های چندگانه در سیاست‌گذاری اقتصادی و کاهش «دولت توخالی» تأکید می‌کند (Agranoff and McGuire, 1998). همچنین، نتایج با الگوی هم‌راستاسازی نهادی در مطالعه دسروزیر و سوئدلوند (۲۰۲۵) همسو است؛ الگویی که نشان می‌دهد پیونددهی و هم‌افزایی میان نهادهای متکثر، شرط ضروری برای اجرای اثربخش برنامه‌های پیچیده توسعه‌ای محسوب می‌شود (Desrosiers & Swedlund, 2025). در این چارچوب، اصلاح ساختار تولید کالای نفتی در ایران نیز نیازمند چنین هم‌افزایی نهادی است؛ هم‌افزایی‌ای که بتواند از طریق یکپارچه‌سازی سیاست‌ها، تقویت مکانیسم‌های تنظیم‌گری، و ایجاد بسترهای تعاملی میان ذی‌نفعان، مسیر تحقق اهداف ساخت داخل را هموار سازد.

دوم، توانمندسازی فناورانه و سازمانی به‌عنوان پیشران اصلی تحول، مستلزم توسعه سرمایه انسانی، تقویت زیرساخت‌های فناورانه و ایجاد همکاری‌های هدفمند با نهادهای داخلی و بین‌المللی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پیشبرد بومی‌سازی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که ظرفیت‌های دانشی و مهارتی به‌موازات ارتقای زیرساخت‌های فناورانه رشد یابند. در این راستا، شواهد بین‌المللی نیز تأکید می‌کنند که انتقال فناوری و یادگیری سازمانی زمانی اثربخش خواهد بود که در بستری از نوآوری نهادی و مشارکت‌های فناورانه رخ دهد (Lo Turco & Maggioni, 2019). بر این مبنا، توسعه خوشه‌های صنعتی، حمایت نظام‌مند از استارتاپ‌های فناور، و شکل‌گیری اکوسیستم نوآوری در صنعت نفت ایران، به‌عنوان اجزای کلیدی این مسیر شناخته می‌شوند. چنین رویکردی می‌تواند هم‌زمان ظرفیت رقابت‌پذیری ملی را ارتقا داده و مسیر حرکت به‌سوی استقلال فناورانه را هموار کند.

سوم، پشتیبانی اقتصادی و اثربخشی سیاست‌ها به‌عنوان وجه عملیاتی سیاست‌های ساخت داخل، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف بومی‌سازی ایفا می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین مالی پایدار، طراحی مشوق‌های

اقتصادی، و ارزیابی مستمر پیامدهای سیاست‌های بومی‌سازی از الزامات بنیادین این محور است. شواهد بین‌المللی نیز تأکید دارند که سرمایه‌گذاری در بومی‌سازی نه‌تنها بازده اقتصادی ایجاد می‌کند، بلکه تاب‌آوری اقتصاد ملی را نیز افزایش می‌دهد (Rankinen, 2019). افزون بر این، مطالعات داخلی بیانگر آن است که سیاست‌های ساخت داخل، درصورتی‌که اثربخشی آن‌ها به‌صورت نظام‌مند پایش شود، می‌توانند منجر به ارتقای اشتغال، کاهش وابستگی ارزی و تقویت برند ملی شوند (Barazandeh & Rafieisakhaei, 2016). بدین ترتیب، پشتیبانی اقتصادی نه‌فقط به‌عنوان پشتیبان فرآیند تولید داخلی، بلکه به‌عنوان رکن اصلی حکمرانی توسعه‌محور در صنعت نفت و صنایع راهبردی دیگر مطرح می‌شود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ساخت داخل، فراتر از یک سیاست صنعتی صرف، یک پروژه حکمرانی پیچیده با ابعاد نهادی، فناورانه و اقتصادی است که نیازمند هماهنگی بین‌سازمانی، توسعه ظرفیت‌های دانشی، و ارزیابی مستمر اثرات استراتژیک خود است. این تحلیل، ظرفیت تبدیل‌شدن به مبنایی برای سیاست‌گذاری دولت در حوزه بومی‌سازی کالاهای راهبردی صنعت نفت را داراست.

از منظر کاربردی، نتایج می‌توانند مبنای بازطراحی سیاست‌های ساخت داخل در وزارت نفت و سایر صنایع راهبردی قرار گیرند. لذا پیشنهادهای کاربردی زیر را می‌توان در این حوزه ارائه نمود:

- تدوین نقشه راه جامع ملی ساخت داخل با مشارکت ذی‌نفعان.
- تقویت نهادهای ارزیاب استاندارد و تأیید صلاحیت تجهیزات داخلی.
- طراحی مشوق‌های مالی پایدار برای سازندگان داخلی.
- پیاده‌سازی سازوکار پایش و ارزیابی اثربخشی بومی‌سازی در ابعاد اقتصادی و صنعتی.

این پیشنهادها در راستای تحقق توسعه صنعتی درون‌زا، کاهش وابستگی فناورانه و ارتقاء حکمرانی اقتصادی در صنعت نفت، قابل‌تعمیم به سایر صنایع کلیدی نیز هستند. پژوهش‌های آینده می‌تواند با تمرکز بر تحلیل تجربی اجرای این سیاست‌ها در میدان عمل، به غنای دانش در این حوزه بیفزاید.

منابع

تکلیف، عاطفه؛ فریدزاد، علی و غفاری، علیرضا. (۱۳۹۷). ملاحظات اقتصادی و حقوقی

در ساخت داخلی تجهیزات صنایع بالادستی نفت کشور با تأکید بر انتقال فناوری در قراردادهای جدید بالادستی نفتی و گازی ایران. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۲ (۸۶).

حسین‌زاده، حامد؛ بهلولی، نادر؛ رمضانی، مجتبی؛ سنگی نورپور، عباس. (۱۴۰۲). نوع شناسی دانش‌های حیاتی در حال خروج از شرکت ملی نفت: رویکردی کیفی. *فصلنامه بازیابی دانش و نظام‌های معنایی*، ۱۰ (۳۵)، ۶۸-۱۰۴.

خداپرست‌پیرسرایی، یونس. (۱۴۰۱). راهبردهای بومی‌سازی و تقویت ساخت داخل تجهیزات کلیدی صنعت نفت. *امنیت اقتصادی*، ۱۰ (۱۱)، ۴-۲۰.

رضائیان، نادر؛ رضوی، محمدرضا؛ حیدری دهویی، جلیل؛ و زمانی‌مقدم، افسانه. (۱۴۰۱). ارائه چارچوبی برای شناسایی و اولویت‌بندی ابزارها و راه‌کارهای حمایت از تولیدکنندگان داخلی کالا و تجهیزات (موردمطالعه: صنعت گاز). مدیریت صنعتی، ۱۴ (۱)، ۱-۲۶.

رعنایی‌کردشولی، حبیب‌الله؛ علوی رعنایی، سیدمسلم. (۱۳۹۸). تحول سازمانی در صنعت نفت ایران: الگوی پیشنهادی برای ایجاد سازمان‌های دانش‌بنیان. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۷ (۲۵)، ۲-۲۹.

رحیم‌دوست، الهه. (۱۴۰۱). راهبردهای حمایت از تولید داخلی تجهیزات و قطعات کلیدی در صنعت نفت و گاز. *امنیت اقتصادی*، ۹۸ (۱۰)، ۴-۱۰.

زاهدی‌موحد، محسن. (۱۳۹۷). توسعه ساخت داخل در صنعت نفت. تهران؛ شرکت هزاره سوم اندیشه، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، فصل دوم.

سالاریان، محمدامین؛ زارع، علی؛ محبی، محسن؛ عبدی، صادق. (۱۴۰۱). بررسی قراردادهای مشارکت در تولید به‌عنوان روشی جهت جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۱ (۴۲)، ۵۰۷-۵۲۱.

سحری‌راد، سیده روژیار؛ رضوی، سیدمحمدرضا؛ قاضی‌نوری، سیدسروش. (۱۴۰۳) مدل ارتقای سیاست‌های دولت جهت توسعه ساخت داخل تجهیزات صنایع بالادستی نفت ایران. *مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*. ۱۴۰۳؛ ۱۶ (۶۳): ۴۲-۲۳.

شکوهیار، سجاد و احمدی، علی. (۱۳۹۵). استراتژی مقابله با تحریم‌ها در اجرای پروژه‌های پارس جنوبی (موردمطالعه: واحد ۱۰۶ فاز ۱۹ پارس جنوبی). *فصلنامه علمی راهبرد*، ۲۵ (۱).

افقه، صدری. (۱۳۹۱). توسعه ساخت داخل در صنعت نفت گذشته، حال، آینده. *ماهنامه اکتشاف و تولید*، شماره، ۸۹، ۷.

عربی، امین؛ مرزبان، حسین؛ مرادی، جواد و صدرایی جواهری، احمد. (۱۳۹۹). بهینه‌سازی درصد مشارکت بخش داخلی در سرمایه‌گذاری‌های مشترک در اقتصاد ایران (مطالعه موردی صنعت نفت و گاز). *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۰ (۳۸)، ۳۰-۱۵.

علیزاده، پریسا؛ صفدری‌رنجبر، مصطفی؛ فرتاش، کیارش. (۱۴۰۰). واکاوی قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی، خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، دورهٔ ۱۴، شمارهٔ ۱، ۷۰-۵۵.

فهیمی‌تبار، حسین؛ نقیب‌السادات، سیدرضا؛ میراسماعیلی، بی‌بی‌سادات؛ حسینی‌دانا، حمیدرضا؛ محمدی، افشین. (۱۴۰۳). شناسایی ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر مدیریت روابط عمومی وزارت نفت با محوریت اقتصاد مقاومتی. *فصلنامه مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*، ۱۶ (۶۲)، ۲۵۱-۲۷۴.

قانعی‌راد، محمدامین؛ فرتوک‌زاده، حمیدرضا؛ آذرآئین، محمدرضا. (۱۳۹۷). برساخت گفتمانی خردمایه مداخله دولت در توسعه فناوری‌های راهبردی؛ مطالعه موردی صنعت بالادستی نفت ایران. *سیاست علم و فناوری*، ۱۱ (۲)، ۱۳-۲۸.

کاظمی نجف‌آبادی، عباس؛ غفاری، علیرضا. (۱۳۹۷). توسعهٔ صنعت ساخت داخل تجهیزات بخش بالادستی نفت کشور؛ ارزیابی نظام حقوقی در چارچوب سیاست‌های کلی «علم و فناوری». *مطالعات حقوق انرژی*، ۴ (۱)، ۲۱۱-۲۳۹.

متین، مهدخت. (۱۴۰۰). مانع زدایی و پشتیبانی از تولید در صنعت نفت و گاز مسائل و راهکارها. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مهری‌بابادی، عزت‌اله؛ ایران‌زاده، سلیمان؛ فتحی هفشجانی، کیامرث. (۱۴۰۱). ارائه مدلی برای ارزیابی عملکرد زنجیره تأمین لارج در صنایع نفت و گاز (موردمطالعه: شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب). *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، ۱۷ (۶۵)، ۸۳-۱۲۱.

نگین‌تاجی، زریر؛ نورعلی‌دخت، سمیرا. (۱۴۰۱). تأثیر شوک‌های پولی و حقیقی بر سرمایه‌گذاری در بخش نفت ایران با رویکرد خود رگرسیونی برداری بیزین (BVAR). *اقتصاد پولی مالی*، ۲۹ (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)، ۸۶-۱۱۵.

نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). مقایسهٔ ظرفیت قراردادهای بالادستی نفت از منظر انتقال و توسعهٔ فناوری با رویکرد عوامل حیاتی موفقیت. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸ (۲۷)، ۱۹-۴۸.

همتی، سمانه؛ عزیزی، مجتبی؛ شفیعی، ایمان. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای موفقیت پروژه‌های تحقیق و توسعه در پژوهشگاه صنعت نفت ایران با رویکرد تحلیل سلسله‌مراتب فازی. *مدیریت نوآوری*، ۹ (۱)، ۱۶۹-۲۰۴.

Acheampong, T., Ashong, M., & Svanikier, V. C. (2016). An assessment of local-content policies in oil and gas producing countries. *The Journal of World Energy Law & Business*, 9 (4), 282-302.

Agranoff, R., & McGuire, M. (1998). Multinetwork management: Collaboration and the hollow state in local economic policy. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8(1), 67-91.

Barazandeh, B., & Rafieisakhaei, M. (2016, October). Effect of localization on the sustainable development in iran's car industry. In *2016 IEEE Conference on Technologies for Sustainability (SusTech)* (pp. 219-224). IEEE.

Desrosiers, M. E., & Swedlund, H. J. (2025). Localization Through Coordination? Implementing the Humanitarian-Development-Peace Nexus in the Democratic Republic of the Congo. *Public Administration and Development*.

Elizondo, A., & Mejía, L. E. (2024). Regulatory policy choice in post-reform contexts: The case of industrial safety regulation in Mexico's oil and gas industry. *Regulation & Governance*, 18 (2), 371-394.

Etzioni, A. (1973). The third sector and domestic missions. Public administration review, 33(4), 314-323.

Jahromi, F. S. (2021). An appraisal of local content requirements in the Iranian oil and gas industry. *Resources Policy*, 73, 102151.

Jevgeni, S., Eduard, S., & Roman, Z. (2015). Framework for continuous improvement of production processes and product throughput. *Procedia Engineering*, 100, 511-519.

Lebdioui, A., Lee, K., & Pietrobelli, C. (2021). Local-foreign technology interface, resource-based development, and industrial policy: How Chile and Malaysia are escaping the middle-income trap. *The Journal of Technology Transfer*, 46 (3), 660-685.

Lo Turco, A., & Maggioni, D. (2019). Local discoveries and technological relatedness: the role of MNEs, imports and domestic capabilities. *Journal of Economic Geography*, 19 (5), 1077-1098.

Mutia, R. D., Sunitiyoso, Y., & Yuniarto, A. (2025). Business Model Adaptation For Foreign Company To Navigate Local Content Requirements In Indonesia's Upstream Oil and Gas Industry In 2034 Using Inductive Scenario Planning Approach (Case Study Tas). *Journal Research of Social Science, Economics & Management*, 4 (6).

Nwankwo, E., & Iyeke, S. (2022). Analysing the impact of oil and gas local content laws on engineering development and the GDP of Nigeria. *Energy Policy*, 163, 112836.

Olawuyi, D. S. (2019). Local content policies and their implications for

international investment law. In *Handbook of International Investment Law and Policy* (pp. 1-21). Springer, Singapore.

Pegram, J., Falcone, G., & Kolios, A. (2018). A review of job role localization in the oil and gas industry. *Energies*, 11(10), 2779.

Pereira, E. G., Mathews, C., & Trischmann, H. (2018). Local content policies in the petroleum industry: *lessons learned*. ONE J, 4, 631.

Rachman, A., & Ratnayake, R. C. (2019). Adoption and implementation potential of the lean concept in the petroleum industry: state-of-the-art. *International journal of lean six sigma*, 10(1), 311-338.

Rankinen, J. A. (2019). Localization of multinational industrial investment projects (Master's thesis, J.-A. Rankinen).

Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. *Springer publishing company*.

Tsani, S. (2021). Energy resources, local content policies and economic growth: The case of hydrocarbons exploration in Greece. In *Modeling Economic Growth in Contemporary Greece* (pp. 245-262). Emerald Publishing Limited.

Wagner, S. M., Lukassen, P., & Mahlendorf, M. (2010). Misused and missed use—Grounded theory and objective hermeneutics as methods for research in industrial marketing. *Industrial Marketing Management*, 39 (1), 5-15.

Zhdaneev, O. V., & Ovsyannikov, I. R. (2025). From import substitution to technological leadership: How local content policy accelerates the development of the oil and gas industry. *Journal of Mining Institute*, 274, 177-194.

Zheng, X., Junfeng, S. H. I., Gang, C. A. O., Nengyu, Y. A. N. G., Mingyue, C. U. I., Deli, J. I. A., & He, L. I. U. (2022). Progress and prospects of oil and gas production engineering technology in China. Petroleum Exploration and Development, 49(3), 644-659.